

خوانش لایه‌های معنا در نمای ساختمان‌های مسکونی میان مرتبه معاصر شهر تهران*

سارا آزما^۱ - علیرضا عینی‌فر^{۲*} - سید یحیی اسلامی^۳

۱. دکترای معماری، دانشکده معماری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۲. استاد گروه معماری، دانشکده معماری، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۳. استادیار گروه معماری، دانشکده معماری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷ تاریخ اصلاحات: ۱۴۰۳/۰۱/۲۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۲/۰۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۳۰

چکیده

وضعیت بحرانی نمای ساختمان‌های مسکونی شهر تهران، ضرورت توجه به اهمیت معنا در معماری معاصر ایران را نشان می‌دهد. هدف پژوهش حاضر کشف معانی دریافت‌شده از نما توسط مخاطبان معمار و غیرمعمار، و بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های خوانش آنان است. معنای محیط ساخته‌شده، احساسات و عواطف مخاطبان، ترجیحات زیبایی‌شناسی و رفتار آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، و با کشف این معانی توانایی پیش‌بینی معماران از خوانش نما توسط مردم و ترجیحات آن‌ها افزایش می‌یابد. پژوهش کیفی و با روش نظریه زمینه‌ای و رویکرد سیستماتیک انجام شده است. برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و برای انتخاب نمونه‌ها از نمونه‌گیری ترکیبی هدفمند و نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. در فرآیند کشف معانی و انجام مصاحبه‌ها از سه مرحله بازسازی افق انتظارات نظریه دریافت هانس روبرت یاوس بهره‌گیری شده است. داده‌های مصاحبه‌ها با تحلیل تفسیری و روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی در محیط نرم‌افزار مکس کیودا مقوله‌بندی و تحلیل شده‌اند. با جمع‌بندی و تحلیل داده‌ها، تفاوت‌ها و شباهت‌های خوانش معماران و غیرمعماران از نمای ساختمان‌های مسکونی میان مرتبه معاصر تهران و مدل مفهومی لایه‌های معنای دریافت‌شده توسط دو گروه (با سه مؤلفه اصلی «ویژگی‌های کلی»، «ویژگی‌های کالبدی» و «ویژگی‌های محتوایی» و زیرمقوله‌های آن‌ها)، استخراج شده است. از مهم‌ترین نتایج حاصل می‌توان به اولویت سبک نما، ترکیب‌بندی هندسی و نماد و نشانه‌ها در معناپردازی برای معماران، و ارزش اقتصادی، مصالح و رنگ، و احساسات شخصی برای غیرمعماران، اشاره کرد. اختلاف نظر دو گروه در مورد زیبایی و معنای نمای سبک رومی، و توافق حداکثری میان هر دو گروه در خوانش نماهای سبک پست‌مدرن قابل توجه است. نتایج حاصله می‌تواند معماران را در پاسخ‌گویی بهتر به نیاز معنایی مردم و طراحی مطلوب‌تر یاری رساند.

واژگان کلیدی: خوانش معماری، لایه‌های معنا، نظریه زمینه‌ای، نظریه دریافت، نمای مسکونی میان مرتبه.

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر با افزایش آسیب‌های ناشی از کم‌توجهی به معنا در معماری معاصر به‌خصوص در ایران، اهمیت موضوع معنا در معماری و نیاز مبرم به پژوهش در این زمینه، به‌ویژه با گسترش حوزه علوم رفتاری و روان‌شناسی محیط آشکار شده است. محیط ساخته‌شده تنها با ادراک صحیح انسان می‌تواند رسالت ماهوی خود را به انجام رساند. در نتیجه فهم و شناخت عوامل مؤثر در ادراک انسان و معانی دریافت‌شده توسط او، می‌تواند تأثیر بسیاری در آفرینش محیطی مطلوب داشته باشد. هرشبرگر^۱ مطالعه معنای معماری را برای مشخص شدن چگونگی طراحی یک محیط، و این‌که چگونه یک بنا با احساس رضایت درک شود، لازم می‌داند (Hershberger 1969, 175). مسئله اصلی مبهم بودن چگونگی دریافت معنای یک اثر معماری توسط عموم و معماران است؛ چراکه درک نظر صریح دریافت‌کننده پیام آسان است، ولی کاوشی فراتر از نگرش‌های خودآگاه، و تحلیل تجربه ذهنی مخاطب از پیچیدگی بیش‌تری برخوردار است (Fouquier 1988, 331). هدف اصلی این پژوهش نیز کشف لایه‌های عمیق‌تر معنای دریافت‌شده توسط معماران و غیرمعماران و بررسی وجوه اشتراک و افتراق آنان در خوانش نمای ساختمان‌های مسکونی میان‌مرتبه معاصر تهران است، تا با شناخت معنای دریافت‌شده از نما در ذهن مردم، معماران را در طراحی نمایی که ارتباط معنایی بهتری با عموم برقرار می‌کند یاری رساند.

در کالبد یک شهر، ساختمان‌های با کاربری مسکونی به دلیل ارتباط با تمام ابعاد زندگی انسان‌ها، معرف فرهنگ یک جامعه و هویت افراد هستند. در شهر تهران آپارتمان‌های مسکونی میان‌مرتبه معاصر (از سال ۱۳۷۰ تا زمان حال) به دلیل رایج بودن، در شکل‌گیری منظر شهری نقش عمده‌ای دارند (Sadat Mortazavi et al. 2022, 76). در معماری، نما صورت و چهره اصلی یک بناست، و در شهر تهران نیز وضعیت نابسامان معماری معاصر به وضوح در جداره خارجی ساختمان‌ها عیان است. معمولاً نقد، تحلیل و ارزیابی ساختمان‌ها بر اساس جداره بیرونی آن‌ها صورت می‌گیرد. به عنوان مثال چارلز جنکز^۲ ارزیابی‌های خود از معنای رمزگذاری‌شده ساختمان‌های مدرن و پست‌مدرن را بر اساس عکس از نمای بیرونی ساختمان‌ها ارائه کرده است (Groat 1982, 9).

به منظور تحقق هدف پژوهش با بررسی مبانی نظری، فرآیند خوانش معنا و مراحل انجام پژوهش، به شکلی روش‌مند تبیین شده است. یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های تحقیق کیفی که با مجموعه‌ای از تکنیک‌ها و روش‌های مدون امکان تفکری نظری درباره داده‌های حاصل از متن را فراهم می‌آورد نظریه زمینه‌ای^۳ است. نظریه زمینه‌ای امکان شناخت منظم دیدگاه‌ها و معانی موردنظر افراد را در یک موقعیت خاص فراهم می‌کند (Lak 2014, 48).

در پژوهش پیش‌رو از این روش استقرایی-اکتشافی برای ارائه مدلی مفهومی از لایه‌های معنای نمای ساختمان‌های مسکونی استفاده شده است. به دلیل ماهیت انعطاف‌پذیر روش‌های کیفی می‌توان از نظریه‌های مرتبط با معنا نیز در فرآیند کشف معانی پنهان یک پدیده بهره جست. در این میان نظریه دریافت^۴ هانس یاس^۵ به دلیل مخاطب‌مداری و حذف مرز میان سوژه و ابژه، می‌تواند در خوانش روش‌مند و عمیق آثار معماری کمک کند. در دوران پست‌مدرن چرخش پارادایمی با رویکردی انسان‌گرا، با انتقاد از خلاء کالبد انسان در معماری و با تلفیق پدیدارشناسی و روان‌شناسی محیطی مطرح شد. برخلاف گرایش سنتی که ابژه تجربه شده اهمیت داشت، در این رویکرد سوژه تجربه‌کننده مطرح شد (Moosavian et al. 2022, 128). به این ترتیب مخاطب و معنایی که دریافت می‌کند در کانون توجه قرار گرفته است، و پژوهش‌های مرتبط با معناشناسی بر مبنای خوانش مخاطب از متن متداول شده‌اند. نظریه دریافت در پی این است که علل گرایش یا عدم گرایش، و توجه مخاطبان به یک اثر هنری را شناسایی کند. بر اساس اصل «لذت زیبایی‌شناسی» هنگامی که یک اثر هنری بتواند همراه با لذت و خوشی پاسخی مناسب با افق انتظارات مخاطب داشته باشد، مورد استقبال قرار می‌گیرد (Namvar Motlagh 2009, 101).

در فرآیند شناخت معنای دریافت‌شده توسط مخاطبان و رویه تحقیق، برای تعامل بهتر سوژه و ابژه، از مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته استفاده می‌شود. از نظر هرشبرگر معنا و ادراک، نسبت به رفتار محیطی صریح‌تر اظهار می‌شوند. این موضع اهمیت اظهار کلامی افراد درباره ساختمان‌ها را نشان می‌دهد (Hershberger 1974, 119). او مؤثرترین روش مطالعه معنا در معماری را تحلیل تجربی و مستقیم تفاوت‌های ادراک معماران و مردم عادی می‌داند (Hershberger 1969, 175). این پژوهش نیز با کشف معنای نمای ساختمان‌های معاصر تهران به بررسی این تفاوت‌ها می‌پردازد. پرسش‌های این پژوهش این است که «معماران و غیرمعماران چه لایه‌های معنایی از نمای ساختمان‌های مسکونی میان‌مرتبه معاصر تهران دریافت می‌کنند؟»، «چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در خوانش دو گروه وجود دارد؟» و «درک این تفاوت‌ها چه کمکی به طراحی نمای ساختمان‌های مسکونی در تهران می‌کند؟»

۲. پیشینه پژوهش

در دوران پست‌مدرن نظریه‌پردازان با انتقاد از نگاه تقلیل‌گرای معماری مدرن به معنا، توجه خود را به معنای معماری معطوف کردند. کیت نسبیت یکی از مهم‌ترین درون‌مایه‌های دوران پست‌مدرن را معنا می‌داند، که در پی جوهر و ذات معماری است (Nesbitt 1995, 44). در اندیشه پست‌مدرن مفاهیمی چون عدم قطعیت، سیالیت معنا، نسبی بودن و تکثرگرایی به چشم می‌خورد. معنا

معرض ارزیابی و قضاوت افراد قرار می‌دهند؛ سپس با تجزیه و تحلیل داده‌ها، معانی دریافت‌شده استخراج می‌شود. هرشبرگر در پژوهشی ۲۵ تصویر از نمای ساختمان‌ها را در معرض قضاوت سه گروه معماران، دانشجویان معماری و غیرمعماران قرار داد. او با استفاده از فن تمایز معنایی برای مطالعه معنای مفهومی و بررسی مقیاس‌های دو قطبی از جمله رضایت‌بخش-آزاردهنده، منظم-آشفته، زیبا-زشت، خوب-بد، تفاوت‌ها و شباهت‌های ارزیابی و قضاوت سه گروه را به تفصیل مقایسه و تفاوت‌هایی میان آن‌ها مشاهده کرد (Hershberger 1969, 179). برای مثال او به این نتیجه رسید که در ۳۰ درصد مواقعی که معماران یک ساختمان را خوب، دلپذیر و زیبا ارزیابی می‌کنند، غیرمعماران آن را بد، آزاردهنده و زشت می‌دانند. درک این تفاوت‌ها، در موفقیت معماران در انتقال مقاصد خود به افراد عادی تأثیر می‌گذارد (Hershberger 1969, 191). بر اساس ادعای جنکز ساختمان‌های مدرن با شناسه‌های حرفه‌ای آشنا برای نخبگان طراحی و توسط معماران آشنا با همان شناسه‌ها تحسین می‌شدند. این ساختمان‌ها را عموم مردم با شناسه‌های دیگری تفسیر می‌کردند. در نتیجه تفسیر عموم مردم از بناها، با معنایی که معماران در نظر داشتند متفاوت بود. اما معماران و عموم مردم با ساختمان‌های پسامدرن که هم‌زمان با شناسه‌های حرفه‌ای و عام طراحی می‌شوند، به شکل همسان ارتباط برقرار می‌کنند (Jencks 1987 56, 57). لیندا گروت برای آزمون ادعای جنکز، با قرار دادن تصویر نمای ۲۴ ساختمان (از مدرن تا پسامدرن) در معرض ارزیابی ۴۰ شرکت‌کننده (۲۰ معمار- ۲۰ حسابدار) و با تحلیل پاسخ‌های شرکت‌کنندگان، تفاوت فاحشی را میان معماران و غیرمعماران مشاهده کرد. مهم‌ترین نکته این است که دو گروه، دسته‌بندی سبکی متفاوتی بین ساختمان‌ها انجام داده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که فقط معماران می‌توانند تفاوت دقیق ساختمان‌های مدرن و پسامدرن را تشخیص دهند (Groat 1982, 20).

محققان بسیاری به دلیل این‌که ارزیابی‌های شناختی و معانی حاصل از آن، از عوامل مؤثر در ادراک زیبایی‌شناختی هستند، قضاوت‌های زیبایی‌شناسی معماران و غیرمعماران را با هدف کشف معانی دریافت‌شده مورد بررسی قرار داده‌اند. جک نسر در پژوهشی با هدف شناخت ویژگی‌هایی که واکنش‌های ارزیابی مطلوب را برمی‌انگیزد، زیبایی‌شناسی و کیفیت‌های ارزیابی جداره خارجی ساختمان‌ها را مطالعه کرد (Nasar 1994). بر اساس نتایج این پژوهش پاسخ‌های زیبایی‌شناختی که به احتمال زیاد تحت تأثیر بیولوژی، شخصیت، تجربه اجتماعی و فرهنگی، انتظارات، وابستگی‌ها، ساختارهای درونی و عوامل محیطی هستند، مشترکاتی نیز میان افراد دارند (Nasar 1994, 380). پاسخ‌های احساسی می‌توانند مستقل از شناخت و قبل از آن بیان شوند. از سویی، تحقیقات تجربی تأیید کرده‌اند که شکل‌گیری شناخت،

چیزی از پیش تعیین‌شده نیست و مخاطب خالق معنا در تعامل با اثر معماری است. خوانش پسامدرن را می‌توان کلیتی پیچیده با لایه‌های متعدد دانست، که با توجه بیش‌تر به فرآیند خوانش، با محوریت خواننده و دلالت‌های ضمنی پیرامون لایه‌های متعدد متن شکل می‌گیرد (Rahmani et al. 2017, 110). در اواخر دهه هفتاد فلسفه پدیدارشناسی تحت تأثیر فیلسوفانی چون هایدگر^۶ و مرلوپونتی^۷ در پی خوانشی نو از معماری، و انکار هرگونه دوگانه انگاری سوژه و ابژه وارد حوزه معماری شد. تقابل و دوگانگی سوژه و ابژه در عمده نظریات اندیشه مدرن وجود داشت، و به همین دلیل نظریه‌های انتقادی پسامدرن به سمت رویکردهای تلفیقی و تعامل‌گرا حرکت کردند (Adeli and Nadimi 2022, 24).

نوربرگ شولتز^۸، یوهانی پلاسما^۹ و استیون هال^{۱۰} نقش عمده‌ای در گسترش پدیدارشناسی در مبانی نظری معماری داشته‌اند. پدیدارشناسی با برجسته کردن کالبد انسان و ادراک حسی او، تجربه مخاطب از اثر و دریافت او را برای کشف معنای معماری در محوریت خوانش قرار می‌دهد. از میان نظریه‌هایی که در پارادایم پدیدارشناسی به چگونگی دریافت معنای اثر هنری می‌پردازند، می‌توان به نظریه دریافت اشاره کرد که هانس روبرت یاوس در کتاب «تاریخ ادبی به عنوان چالشی برای تئوری ادبی» (۱۹۷۴) مطرح می‌کند. او معنای یک اثر را پاسخ آن به پرسش‌هایی می‌داند که به‌واسطه افق انتظارات مخاطب مطرح شده است. بر اساس نظریه دریافت یاوس، هیچ معنای اصلی وجود ندارد؛ چون معنا تابعی از فرآیند پرسش و پاسخ مدام است (Jauss 1974). در این نظریه معنا در تعامل سوژه و ابژه، یا مخاطب و اثر معماری خلق می‌شود. نظریه دریافت به ندرت در نظریه‌های معماری استفاده شده است. به نظر می‌رسد در پدیدارشناسی معماری یوهانی پلاسما، جوزف ریکورت^{۱۱} و پیتر کارل^{۱۲}، با اجتناب کلی از عینیت‌گرایی و ذات‌گرایی، بدون ارجاع صریح و به طور ضمنی به اصل مرکزی نظریه دریافت توجه شده است. این توجه بیش‌تر تحت تأثیر آثار فیلسوف آلمانی جرج گادامر^{۱۳}، از مبدعین نظریه دریافت است (Gough 2013, 285). گادامر معماری را برخلاف نظریه دریافت، از حاشیه به مرکز توجه آورده است، و به همین دلیل نظریه‌های معماری بیش‌تر بر پایه آثار او شکل گرفته است. به دلیل رویکرد محافظه‌کارانه و کمبود توجه به هنر و معماری معاصر در فلسفه گادامر، بهره‌گیری از نظریه دریافت و افق انتظارات، می‌تواند به ایده فراگیر فرم و محتوا، و سوژه و ابژه کمک کند (Gough 2013, 288).

پژوهش‌های بسیاری توسط نظریه‌پردازان مطرح معماری از جمله رابرت هرشبرگر، لیندا گروت^{۱۴}، چارلز جنکز و جک نسر^{۱۵} در رابطه با خوانش معنای معماری توسط مردم و معماران انجام شده است که می‌تواند هم از جنبه روش‌شناسی و هم نتایج حاصله مورد استفاده قرار گیرند. در این پژوهش‌ها به‌طور معمول تصاویر ساختمان‌ها را در

در کنار یاوس از بنیان‌گذاران مکتب کنستانس است، که بر دریافت و اهمیت آن در معناپردازی تأکید دارد (Ibid, 103). مکتب کنستانس از جریان‌های مهم هرمنوتیک فلسفی است و با تأثیرپذیری از پدیدارشناسی به تجربه‌ای بیش از روش توجه دارد. خوانش در این مکتب، تجربه‌ای زیباشناختی است و فهم بیشتر به جای تأویل، بر مبنای برداشت و تفسیر است (Ibid, 108). ایزر در کتاب «کنش خواندن» به این پرسش که چگونه و در چه شرایطی یک اثر برای خواننده معنا دارد، پاسخ می‌دهد، و به تحلیل پدیدارشناسی خوانش متن به ویژه متن رمانی می‌پردازد (Iser 1978). او نظریه کنش خوانش را مطرح می‌کند و در تحلیل یک اثر ادبی ارزشمند اظهار می‌دارد که صرفاً تقویت پیش‌داده‌ها توسط اثر ارزشمند نیست، بلکه باید شیوه‌های هنجارین دیدن را تغییر دهد و علائم جدیدی برای ادراک در اختیار گذارد (Namvar Motlagh 2009). از نظر ایزر در فرآیند تولید معنا، متن و مخاطب در وضعیت یکسانی ادغام می‌شوند. در این شرایط جداسازی سوژه و ابژه دیگر اعمال نمی‌شود؛ در نتیجه معنا دیگر ابژه‌ای برای تعریف کردن نیست، بلکه اثری است برای تجربه شدن (Iser 1978, 9-10). با از بین رفتن مرز میان سوژه و ابژه یک متن بیش‌تر از این که یک ابژه باشد یک رویداد است. رویداد خوانشی که در تعامل میان سوژه (مخاطب) و ابژه (متن) رخ می‌دهد (Gough 2013, 280). تعامل متقابل سوژه و ابژه که در نظریه دریافت، در هرمنوتیک گادامر و در پدیدارشناسی نهفته است، می‌تواند در حد نهایی در جهت نظریه و اساسی دریدا^{۱۱} رادیکال شود. دریدا اصول اساسی پدیدارشناسی را در آثار خود در اوایل دهه ۱۹۶۰ و اساسی کرد. نظریه دریافت و پیشینیان آن گامی در جهت از بین بردن عینیت‌گرایی و در راستای تعامل بین سوژه و ابژه برداشته‌اند (Gough 2013, 288). از نظر یاوس یک اثر معنای از پیش تعیین‌شده ندارد، بلکه معنای آن تحت تأثیر پاسخ اثر به پرسش‌هایی است که بر پایه افق انتظارات مخاطب مطرح می‌شود. مجموعه‌ای از خواسته‌ها و نیازهای مخاطب، افق انتظارات او را شکل می‌دهند و مخاطب در هنگام خوانش، توقع پاسخ اثر به انتظارات خود را دارد (Namvar Motlagh 2009, 100). در نتیجه برای فهم معنای یک اثر، باید در ابتدا افق انتظارات مخاطب را بازسازی و سپس واکنش مخاطبان به آثار را مطالعه کرد (Jauss 1974). یاوس مراحل بازسازی افق انتظارات مخاطب را در سه گام تجربه پیشین مخاطب از گونه اثر هنری و انتظارات کلی مخاطب از اثر، صورت و درون‌مایه آثار قبلی که احتمالاً برای مخاطب مقوله‌ای آشناست، و تقابل خیال و واقعیت که در دوره‌های متفاوت به صورت‌های متفاوتی تجلی می‌یابد، شرح می‌دهد (Jauss 1974) (شکل ۱).

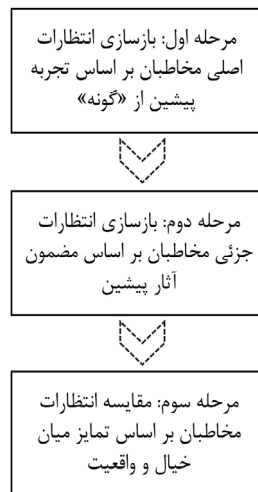
احساسات را تحت تأثیر قرار می‌دهد، و موجب شکل‌گیری معنای مفهومی در ذهن می‌شود و این معنا در کنار پاسخ‌های احساسی دریافت‌های زیبایی‌شناسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Nasar 1994, 381). نسر در پژوهش دیگری پس از ثبت دریافت مردم از معنای مفهومی سبک خانه، از معماران خواست پاسخ مردم را حدس بزنند، که معماران قادر به پیش‌بینی پاسخ مردم عادی نبودند (Nasar 1989, 235).

تفاوت‌های ارزیابی‌های زیباشناختی و ارتباط بین زیبایی و پیچیدگی در نماهای مسکونی در ایران در مطالعه‌ای از طریق مصاحبه با معماران و غیرمعماران (Ilbeigi and Ghomeishi 2017) و همین تفاوت‌ها و شباهت‌ها در مطالعه دیگری با توجه به ویژگی‌های شناختی نمای ساختمان‌های مسکونی با روش کمی و ابزار پرسش‌نامه بررسی شده است (Ilbeigi et al. 2019). پژوهش دیگری با استفاده از شیوه پرسش‌نامه باز و بسته و مصاحبه‌های عمیق، به این نتیجه رسیده است که معماران در ادراک معانی مکان بیش‌تر تفکری انتزاعی-مفهومی و غیرمعماران تفکری احساسی-تجربی یا نسبی‌گرا دارند (Heidari and Behdadfar 2017). دریافت و ادراک کالبد معماری در ذهن مخاطبان و تفاوت‌ها و کیفیت این دریافت با روش پیمایش و ابزار پرسش‌نامه بسته، در مقاله‌ای دیگر در سه دسته کلی کیفیت معنایی، کیفیت زیبایی‌شناسی و کیفیت عملکردی بررسی شده است (Toofan et al. 2022). این پژوهش‌ها عمدتاً در حوزه‌های ارزیابی‌های زیباشناختی، حوزه‌های معنایی گشتالتی، حوزه‌های عملکردی، نشانه‌شناسی، محتوای تفکر و غیره صورت گرفته‌اند. در هیچکدام از آن‌ها، لایه‌های معنایی نمای ساختمان‌های مسکونی معاصر تهران با خوانش معماران و غیرمعماران و تفاوت‌ها و شباهت‌های آنان، با روش نظریه زمینه‌ای و بهره‌گیری از نظریه دریافت و مصاحبه نیمه‌ساختار یافته (که امکان آشکار شدن لایه‌های معنایی با وسعت و عمق بیش‌تر را فراهم می‌کند) مطالعه نشده است. با بررسی پژوهش‌های مرتبط و مشاهده کاستی نظری در این رابطه، جنبه نوآورانه این پژوهش آشکار می‌شود.

۳. مبانی نظری

در سال‌های اخیر در یک چرخش پارادایمی کانون توجه محققان به شکل بارزی به سمت مخاطب و دریافت او از اثر چرخیده است. هانس روبرت یاوس با طرح نظریه دریافت در سال ۱۹۷۴، در رویکردی کاربردی چگونگی دریافت اثر هنری را پیشنهاد کرد (Namvar Motlagh 2009, 99). یاوس به عنوان شاگرد گادامر با ارجاع به نظریه هرمنوتیک او، برای ابداع روشی که به خوانندگان کمک کند معنای یک متن را بفهمند، تلاش کرده است. ولفگانگ ایزر^{۱۶}

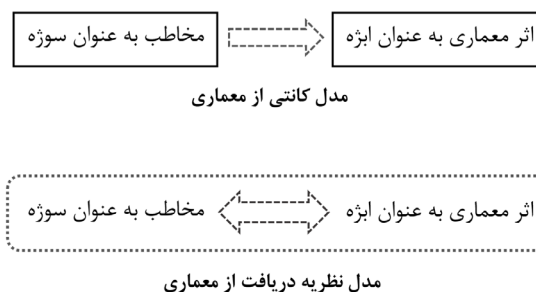
شکل ۱: مراحل بازسازی افق انتظارات مخاطبان در نظریه دریافت یاوس



رویداد تنها زمانی که مخاطب با متن درهم می‌آمیزد، اتفاق می‌افتد (Gough 2013, 280). لوکوربوزیه با پارتنون در سال ۱۹۱۱ رویارویی تأثیرگذاری داشت: «پارتنون پیشنهادی درباره زمان و فضا می‌دهد. این بازگشت مداوم به ابژه، این نگاه به بیرون که همچون یک نگاه بازتابی به گذشته است، معماری را تهدید می‌کند زیرا تمایز بین بیننده و مشاهده‌شده، سوژه و ابژه، و فضا را برهم می‌زند» (Holm 2010, 184-185). آنچه این نقل‌قول می‌گوید، این است که تصور قبلی از معماری یا تعریف کانتی از معماری (مفهوم کانتی از معماری به عنوان فرم، به‌مثابه ابژه‌ای که با نظم در مقابل سوژه قرار گرفته است) به موجب تخریب یا ساختارشکنی تمایزات مابین سوژه و ابژه، واژگون می‌شود. اساس نظریه دریافت این است که واقعیت یک اثر در ابژه نیست، بلکه در حذف تمایز میان سوژه و ابژه است (Gough 2013, 286) (شکل ۲).

بنابراین، ارزش زیبایی‌شناسی یک متن بر اساس توانایی تغییر افق مخاطب، قضاوت می‌شود. این توانایی نشان می‌دهد که متن عملکرد شکل‌دهندگی اجتماعی دارد و هنگامی که فهم مخاطب از دنیا تغییر می‌کند، رفتار اجتماعی او نیز تأثیر می‌پذیرد (Jauss 1982, 23-24). از نظر ایزر معنای یک متن در واقع یک پاسخ زیباشناختی است؛ اگرچه ناشی از متن است، توانایی‌های تخیلی و ادراکی مخاطب را درگیر می‌کند، تا او را وادار به تنظیم و حتی متمایز کردن تمرکز خود کند (Iser 1978). به همین دلیل زیبایی‌شناسی دریافت به مطالعه رفتار فرد و روان‌شناسی مخاطب منفرد نمی‌پردازد بلکه تجربه جمعی و زیبایی‌شناختی است که مبنای درک فرد از متن است (Namvar Motlagh 2009, 100). برای نظریه دریافت، اثر معماری مشابه یک متن نوشتاری همچون یک رویداد رخ می‌دهد. معنا نیز به منزله یک

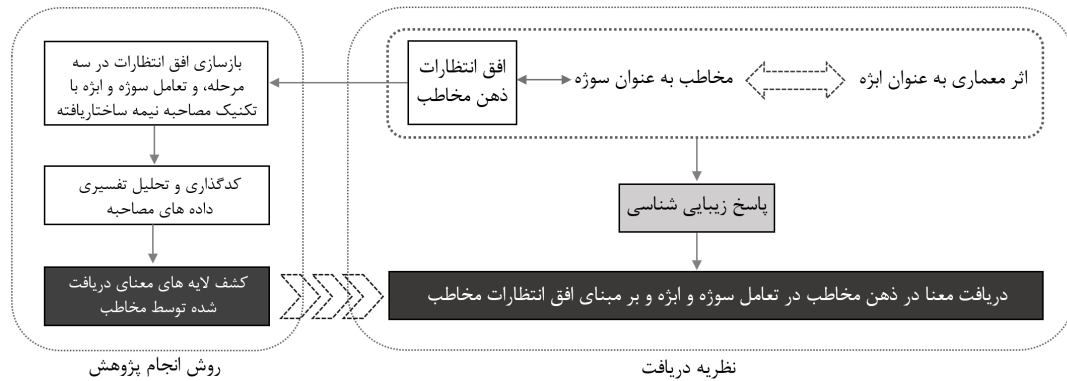
شکل ۲: مقایسه رابطه سوژه و ابژه در تعریف کانتی و تعریف نظریه دریافت



مخاطب و در تعامل او با اثر معماری شکل می‌گیرد. روش کشف معنای دریافت‌شده در ذهن مخاطب در فرآیند خوانش معنا با چارچوب تحلیلی این پژوهش در نمودار زیر (شکل ۳) ارائه شده است.

برای عمل خوانش، معماری می‌تواند متنی قراردادی به حساب آید و معنا همچون یک پیام خوانده شود؛ یا از دیدگاه نظریه دریافت، معنای معماری نه به منزله پیام، بلکه مانند رویدادی تعاملی میان مردم و مکان دریافت شود. معنا همچون یک پاسخ زیبایی‌شناختی در ذهن

شکل ۳: فرآیند کشف لایه‌های معنا



روش انجام پژوهش

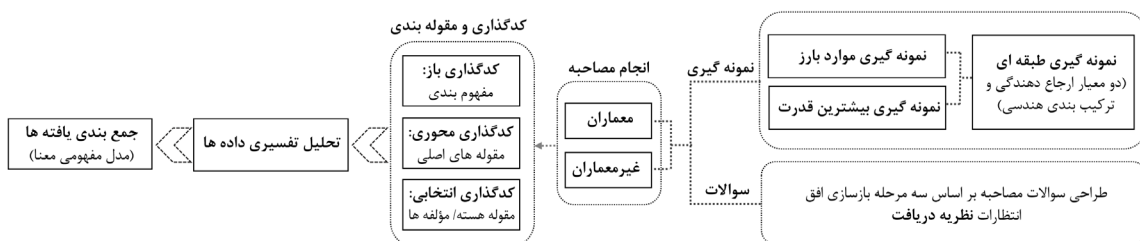
نظریه دریافت

۴. روش پژوهش

شکل‌گیری روابط میان مقولات و دسته‌بندی آنها (علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) با روش کدگذاری انتخابی و بهره‌گیری از روش تحلیل تفسیری به‌دست آمده است. تحلیل تفسیری داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به خوانش معنای تجربه‌شده مخاطب در قالب یک رویداد کمک می‌کند. برای اعتبارسنجی پژوهش از روش ممیزی^{۱۹} استفاده شده است. در این روش از چند پژوهش‌گر آشنا با موضوع پژوهش خواسته شده مراحل مختلف گردآوری داده‌ها، کدگذاری، مفهوم‌سازی و سایر مراحل را بررسی و نظرات خود را به پژوهش‌گران منتقل کنند (Lak 2014, 56). اعتبار بیرونی یا تعمیم‌پذیری پژوهش‌های کمی در پژوهش‌های کیفی انتقال‌پذیری و اعتبار درونی تأییدپذیری نامیده می‌شود. با توجه به تردید در اعتبار داده‌های کیفی، در این پژوهش برای تقویت انتقال‌پذیری و تأییدپذیری، توصیف عمیقی از نحوه انجام کار و فرآیند پژوهش از ابتدا تا انتها ارائه شده است، تا در محل‌ها و زمان‌های دیگر توسط افراد دیگر نیز قابل انجام باشد. بدین منظور مراحل دقیق انجام پژوهش در شکل ۴ و جدول ۱ خلاصه‌سازی شده و در ادامه نیز به تفصیل ارائه شده است.

روش پژوهش کیفی است و با رویکرد سیستماتیک نظریه زمینه‌ای انجام شده است. نظریه زمینه‌ای مسئله‌محور است و با رویکرد استقرایی در پی نظریه‌پردازی از داده‌های جمع‌آوری شده است. در این نظریه با مفهوم‌بندی داده‌ها (کدگذاری باز) و مقوله‌بندی و ارتباط دادن بین مقولات (کدگذاری محوری)، و در نهایت مقولات با یک خط داستانی (کدگذاری انتخابی) به یکدیگر مرتبط می‌شوند (Tayebi Abolhasani 2019, 78). رویکرد سیستماتیک یا استراوسین حاصل مطالعات استراوس و کوربین بوده و بر بی‌طرفی پژوهش‌گر و فرآیند و تکنیک‌های عملی پژوهش تأکید بیشتری می‌شود (Corbin and Strauss 2014, 23). برای جمع‌آوری داده‌های نظری از اسناد نوشتاری، برای نمونه‌گیری از نمای ساختمان‌ها از مطالعات میدانی، و برای جمع‌آوری اطلاعات بخش تحلیلی از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته بهره گرفته شده است. داده‌های مصاحبه‌ها با روش کدگذاری باز و محوری نظریه زمینه‌ای و با کمک نرم‌افزار تحلیلی مکس کیودا ۲۰۲۰^{۱۸} که برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی و کدگذاری استفاده می‌شود، مقوله‌بندی شده‌اند. در نهایت مدل مفهومی لایه‌های معنا با استخراج مقوله هسته و

شکل ۴: روند انجام پژوهش



جدول ۱: ویژگی‌های کلی پژوهش

نوع پژوهش	لایه پژوهش
کیفی / نظریه زمینه‌ای	روش‌شناسی پژوهش
سیستماتیک یا استراوسین	رویکرد پژوهش
پدیدارشناسی	پارادایم پژوهش
داده‌های بخش نظری	داده‌های بخش تحلیلی
کتابخانه‌ای	میدانی، پیمایشی
روش نمونه‌گیری	روش طراحی سوالات مصاحبه
مصاحبه نیمه‌ساختار یافته	نمونه‌گیری ترکیبی هدفمند (ترکیب نمونه‌گیری طبقه‌ای، موارد بارز، و بیش‌ترین قدرت) / نمونه‌گیری نظری
روش تحلیل داده‌ها	کدگذاری باز، محوری و انتخابی (نظریه زمینه‌ای) / تحلیل تفسیری
اعتبار پژوهش	روش ممیزی

نمونه‌ای معمول یا میانگین پدیده مورد نظر پژوهش‌گر است (Teddle and Yu 2007, 81). پژوهش‌گر می‌تواند به تشخیص خود یا با مشورت افراد متخصص نمونه بارز را انتخاب کند. نوع دیگر، نمونه‌گیری با بیش‌ترین قدرت نام دارد، که در آن پژوهش‌گر نمونه‌هایی را انتخاب می‌کند که پدیده مورد نظر را به روشنی نمایندگی کند، اما در حدود میانه توزیع باشد (Teddle and Yu 2007). ابتدا برای هدفمندسازی نمونه‌گیری، تمامی نماها بررسی شد تا دسته‌بندی آن‌ها در گروه‌های مشابه، کنترل بیش‌تری داشته باشد. دو ویژگی اصلی معماری یعنی فرم و محتوا، می‌تواند با دو نوع متغیر زیبایی مرتبط باشد. یک متغیر به شکل مستقل با ساختار فرم و دیگری با محتوای فرم مرتبط است. تحقیقات مرتبط با ساختار فرم و تناسب هندسی، «زیبایی‌شناسی فرمی» و تحقیقات مرتبط با پاسخ‌های انسانی به محتوای فرم‌ها و معانی تداعی‌کننده و لذت‌بخش محیط «زیبایی‌شناسی نمادین» نامیده می‌شود (Lang 1987). به همین دلیل دو متغیر «ترکیب‌بندی هندسی» و «ارجاع‌دهندگی» در راستای زیبایی‌شناسی فرمی و نمادین، برای دسته‌بندی نماها انتخاب شدند. این روش برای پرهیز از دسته‌بندی‌های رایج کلیشه‌ای معاصر بر اساس سبک‌های مدرن، پست‌مدرن، کلاسیک و غیره، انجام شد. همچنین به دلیل تأثیر مستقیم سبک بنا در معناپردازی، قضاوت درباره دسته‌بندی سبکی نماها به عهده مخاطبان گذاشته شد. با بهره‌گیری از راهکاری نو، تمامی نماها با ارزیابی اولیه بر اساس کیفیت ترکیب‌بندی هندسی استفاده شده و داشتن نشانه‌ها و نمادهایی که به چیزی غیر از خود ارجاع می‌دهند، در ماتریسی دو در دو قرار گرفتند (شکل ۵).

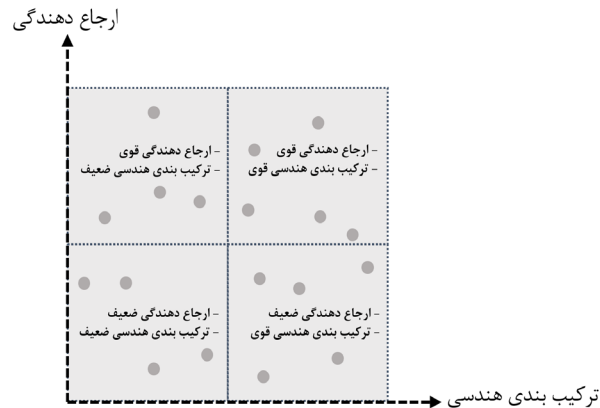
۴-۱- سنجش خوانش معنا در نمای ساختمان‌های مسکونی

برای سنجش تجربه خوانش معنا در نمای ساختمان‌های مسکونی، ابتدا شیوه نمونه‌گیری ترکیبی هدفمند نماهای مسکونی تشریح می‌شود. نتیجه این قسمت رسیدن به ماتریس دسته‌بندی نماهای مسکونی شهر تهران بر اساس دو متغیر «ترکیب‌بندی هندسی» و «ارجاع‌دهندگی» است. در ادامه به شیوه انتخاب پاسخ‌گویان و چگونگی انجام مصاحبه نیمه‌ساختار یافته با روش نمونه‌گیری نظری پرداخته خواهد شد. پرسش‌های اصلی و تکمیلی مصاحبه بر اساس مراحل بازسازی افق انتظارات تنظیم می‌شود.

۴-۲- انتخاب نمونه‌های نما

با مطالعات میدانی و رجوع به منابع آماری مشخص شد آپارتمان‌های مسکونی میان‌رتبه بیش‌ترین رواج را در شهر تهران دارند (Sadat Mortazavi et al. 2022, 76). مطالعات میدانی دقیق‌تر و عکاسی از این ساختمان‌ها به شکل تصادفی در چندین مرحله و در مناطق مختلف شهر (مناطق شمالی، مرکزی و جنوب شهر) انجام شده است. در مجموع از ۶۲۵ نما از زاویه روبه‌رو در طول روز عکاسی شد، تا عوامل مداخله‌گر در ارزیابی تا حد امکان کنترل شوند. به دلیل پیچیدگی‌های تحقیق و وسعت جامعه آماری نمای ساختمان‌های مسکونی میان‌رتبه معاصر شهر تهران، از نمونه‌گیری ترکیبی هدفمند (ترکیب دو یا چند روش نمونه‌گیری هدفمند) استفاده می‌شود (Jalali 2013, 318). یکی از روش‌ها نمونه‌گیری طبقه‌ای است، که با دسته‌بندی همگن نمونه‌ها از نظر صفت متغیر انجام می‌شود. روش دیگر نمونه‌گیری موارد بارز است، که انتخاب

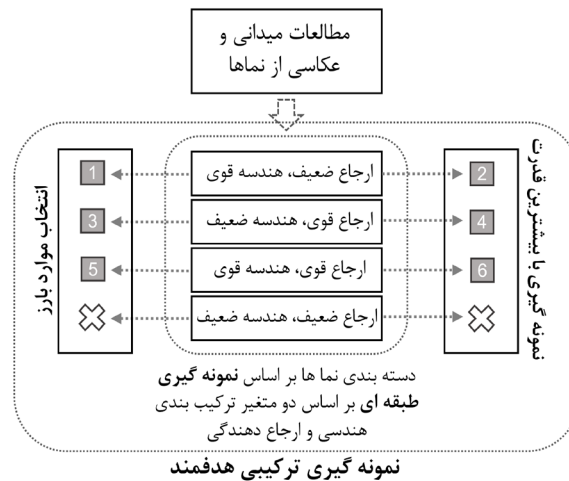
شکل ۵: ماتریس دسته‌بندی نماهای مسکونی شهر تهران بر اساس دو متغیر «ترکیب‌بندی هندسی» و «ارجاع‌دهندگی»



نماها، از هر دسته با بهره‌گیری از نمونه‌گیری‌های «موارد بارز» و «بیش‌ترین قدرت» چندین نما انتخاب شد. این نماها برای اطمینان‌بخشی و تصدیق‌پذیری بیش‌تر توسط دو متخصص دیگر بررسی و با حذف موارد مشابه، بهترین نمونه‌ها انتخاب و در ادامه از هر دسته دو نما انتخاب شد (شکل ۶).

در ماتریس دسته‌بندی بر اساس شدت و کیفیت متغیرها چهار محدوده مشخص شده است. بر این اساس تمام نماها می‌توانند در یکی از چهار دسته «ارجاع‌دهندگی قوی / ترکیب‌بندی هندسی قوی» «ارجاع‌دهندگی قوی / ترکیب‌بندی هندسی ضعیف» «ارجاع‌دهندگی ضعیف / ترکیب‌بندی هندسی قوی» و «ارجاع‌دهندگی ضعیف / ترکیب‌بندی هندسی ضعیف» قرار گیرند. پس از طبقه‌بندی

شکل ۶: مراحل نمونه‌گیری ترکیبی پژوهش



ترکیب‌بندی هندسی ضعیف) به دلیل سطح پایین کیفیت محتوایی و کالبدی و عدم برقراری ارتباط معنایی با مخاطبان، حذف و در نهایت شش نما برای بررسی انتخاب شد (جدول ۲).

با این روش نمونه‌گیری، می‌توان تا حدی اطمینان حاصل کرد که نماهای انتخابی، نماینده جامعه آماری طیف گسترده‌تری از بناها هستند. در روند انجام مصاحبه، دسته چهارم نماهای انتخابی (ارجاع‌دهندگی ضعیف /

جدول ۲: شش نمای انتخابی با روش نمونه‌گیری ترکیبی هدفمند

انتخاب نمونه		دسته‌بندی نماهای مسکونی شهر تهران
نمونه‌گیری با بیش‌ترین قدرت	انتخاب موارد بارز	
		۱ ارجاع‌دهندگی ضعیف/ ترکیب‌بندی هندسی قوی
		۲ ارجاع‌دهندگی قوی/ ترکیب‌بندی هندسی ضعیف
		۳ ارجاع‌دهندگی قوی/ ترکیب‌بندی هندسی قوی

۴-۳- انجام مصاحبه

معیار انتخاب پاسخگویان برای پژوهش کیفی تناسب بین تجربه و پرسش پژوهش، ویژگی‌های شخصی و تمایل برای پاسخگویی است (Jalali 2013, 312). انتخاب افراد شرکت‌کننده در پژوهش با روش نمونه‌گیری نظری از دو گروه معماران (دانش‌آموختگان رشته معماری با حداقل ۵ سال تجربه کاری) و غیرمعماران (دانش‌آموختگان رشته‌های غیرمرتبط با معماری و هنر) ساکن شهر تهران انجام شد. در روش نمونه‌گیری نظری انتخاب نمونه‌ها با توسعه گام‌به‌گام نظریه و برای دستیابی به افرادی که دارای دانش کافی در آن حوزه هستند، و امکان ظهور مفاهیم جدید را نیز میسر می‌سازند، پیش می‌رود (Clarke and Frieses 2007).

پرسش‌ها در مصاحبه نیمه‌ساختار یافته به ترتیب اهداف کلی و جزئی و بر اساس بازسازی افق انتظارات مخاطبان طراحی شده، و با مشخص شدن متغیرها و نوع پرسش‌های باز و بسته، مصاحبه با افراد منتخب با ارائه توضیحات کلی به پاسخ‌گو درباره پژوهش و اهداف آن آغاز شد. براساس توضیحات ارائه‌شده در بخش مبانی نظری، مرحله اول در بازسازی افق انتظارات، فهم قبلی درباره سبک اثر مورد نظر و انتظارات اصلی و کلی مخاطب است. با نشان دادن تصویر نمای ساختمان، از پاسخ‌گویان خواسته شد سبک بنا را تشخیص دهند و نظر کلی خود را درباره نما بیان

کنند. با توجه به این که در مرحله دوم بازسازی افق انتظار، صورت و درون مایه آثار قبلی و ارتباط آن با اثر حاضر و انتظارات جزئی مخاطبان اهمیت دارد، پرسش‌هایی درباره جزئیات دقیق‌تر بنا پرسیده شد. در مرحله سوم بازسازی، که درباره تمایز میان زبان شاعرانه و روزمره و دریافت‌های زیباشناختی مخاطبان است، از پاسخ‌گویان خواسته شد احساس شخصی، دریافت‌های زیباشناختی و معنای خاصی را که برایشان تداعی می‌کند، بیان کنند. برای کشف دقیق‌تر لایه‌های معنای ذهن مخاطب با بهره‌گیری از مبانی نظریه دریافت در فرآیند مصاحبه، پس از پاسخ اولیه به پرسش‌های باز، پرسش‌های تکمیلی طرح شد. تحلیل داده‌ها نیز هم‌زمان با انجام مصاحبه‌ها آغاز شده و سوالات جدید ایجادشده از شرکت‌کنندگان بعدی پرسیده شد. در فرآیند نمونه‌گیری نظری پس از مصاحبه با ۱۵ نفر از هر گروه، با ظهور داده‌های تکراری اشباع نظری حاصل شد.

۵. یافته‌ها

پس از اطمینان از اشباع نظری، نگارش و تجزیه و تحلیل پاسخ‌ها، نکات اساسی و کلیدی هر پاسخ مشخص شده و با بررسی متن، داده‌ها با بهره‌گیری از روش کدگذاری باز در نرم‌افزار مکس کیودا مفهوم‌بندی شده‌اند. در تحلیل تفسیری که آن را «تحلیل استقرایی» نیز می‌نامند،

تحلیل می‌کنند. برای هر دو گروه، کیفیت بازشوها و اندازه پنجره‌ها و وجود فضای نیمه‌باز (بالکن، تراس و غیره) در قضاوت‌ها عاملی مهم و تأثیرگذار است. مقایسه پاسخ‌ها نشان داد که غیرمعماران در پاسخ به سوالات، به داخل بنا اشاره زیادی می‌کنند، و قضاوت در مورد نما را به داخل بنا و نوع و کیفیت زندگی پشت آن پیوند می‌زنند. این که پشت بازشوها چه اتفاقی می‌افتد، فضای داخل نورگیر است یا خیر، وجود بالکن و تراس در نما، میزان حریمیت یا حتی پرده‌های مورد نیاز و آسایش حرارتی، بیش‌تر از ویژگی‌های ظاهری نما برای آن‌ها مهم است. در صورتی که معماران کم‌تر به داخل بنا و عملکرد نما اشاره کردند و به شکل تخصصی هندسه نما و جزئیات ظاهری آن را تحلیل کردند. در واقع برای غیرمعماران عملکرد نما و کیفیت فضای پشت آن نقش پررنگ‌تری از تصویر و هندسه نما دارد. عناصر اقلیمی نما نیز مانند سایبان‌ها و لوورها بیش‌تر مورد توجه معماران قرار گرفت.

غیرمعماران به پرسش‌های مرتبط با احساس شخصی و قضاوت‌های زیبایی‌شناسی، نسبت به پرسش‌های مرتبط با ویژگی‌های فیزیکی نما با تفصیل بیش‌تری پاسخ دادند. هر دو گروه در پاسخ به پرسش مستقیم در مورد معنای نما، پاسخ مناسبی نداشتند یا نما را بدون معنا دانستند؛ این در حالی است که در پاسخ به پرسش‌های دیگر به شکل غیرمستقیم، به معنادهی و خلق معانی مختلف پرداختند. معماران با اتفاق نظر، دو نمای سبک رومی را نازیبی و بدون هویت و نشانه نوکیستی و تجمل‌گرایی دانستند، در صورتی که غیرمعماران درباره این دو نما اختلاف‌نظر داشتند. اکثریت غیرمعماران نمای رومی را زیبا، فاخر و با اصالت توصیف کردند و رنگ روشن نما، نوع مصالح و غربی بودن آن را دلیل زیبایی آن دانستند. نمای شماره ۱ سبک مدرن در هر دو گروه از نظر احساسی و زیبایی‌شناسی مورد توجه قرار نگرفت، و ارتباطی با مخاطبان برقرار نکرد. نمای شماره ۲ مدرن از نظر معماران به دلیل هندسه و ترکیب‌بندی موفق و داشتن نماد و نشانه‌های معماری مدرن، و از نظر غیرمعماران نیز به دلیل پنجره‌های بزرگ و متفاوت بودن، زیبا ارزیابی شد. به دلیل عدم استفاده از نشانه‌های مشخص در دو نمای مدرن، ارجاعات ذهنی دیگری در میان مخاطبان شکل نگرفت. هر دو نمای دسته سوم، به دلیل توجه همزمان به معماری ایرانی ارجاع می‌دهند، مورد توجه و تحسین معماران قرار گرفتند. هر دو گروه معماران و غیرمعماران، هر دو نما را یادآور معماری گذشته، با هویت، دارای حس خانه و زندگی، با حس آرامش و حریمیت، و در نهایت زیبا توصیف کردند. می‌توان نتیجه گرفت توافق حداکثری میان هر دو گروه مشارکت‌کننده، در خوانش نماهای سبک پسمدرن وجود دارد.

پژوهش‌گر برای یافتن الگوها و روابط میان متغیرها از توصیف فراتر می‌رود (Karimi and Nasr 2013) و با بهره‌گیری از ساختارهای معنایی، داده‌ها را تفسیر می‌کند. در فرآیند تحلیل تفسیری در مرحله اول محتوای آشکار متن تحلیل و توصیف شده، و در مرحله بعد برای درک معانی پنهان، گفته‌های با شیوه‌های گوناگون درباره هر مقوله مقایسه و معنای واقعی آن‌ها در یک لغت یا اصطلاح خلاصه شده‌اند.

مشاهده برخی پاسخ‌های مشابه به سوالات مطرح‌شده در این مصاحبه‌ها نشان از تأثیر بستر فرهنگی، هنجارهای اجتماعی و کلیشه‌های ذهنی در تفکر و نحوه معنادهی مردم یک جامعه مشخص دارد، که می‌تواند عامل سطح بالایی از موافقت در دو گروه معماران و غیرمعماران باشد، و در پژوهش‌های مختلفی از جمله پژوهش جک نسر نیز تأیید شده است (Nasar 1999). در نتیجه دانستن اشتراکات معنای فرهنگی می‌تواند به طراحان در خلق آثار مورد قبول عموم مردم کمک کند.

با خلاصه‌سازی و مقایسه پاسخ‌های مرتبط با مرحله اول بازسازی افق انتظارات مخاطبان، مشخص شد غیرمعماران در تشخیص سبک بنا تقریباً همانند معماران عمل می‌کنند؛ اگرچه نام دقیق آن سبک را ندانند. لازم به ذکر است اطلاق نام سبک‌ها به نماها در این پژوهش، بر اساس نظر حداکثری معماران شرکت‌کننده در مصاحبه‌ها صورت گرفته است. غیرمعماران تنها در تشخیص سبک پست‌مدرن با معماران تفاوت دارند، و بناهای سبک پست‌مدرن را در دسته سبک مدرن یا ترکیب مدرن و سنتی دسته‌بندی می‌کنند. این تفاوت، به‌طور واضح به آموزش‌های دانشگاهی و آشنایی معماران با نام سبک‌ها و معیارهای سبکی مرتبط است. این نتیجه در تأیید نتایج پژوهش لیندا گروت است، که نشان داد فقط معماران می‌توانند به‌طور دقیق تفاوت بین ساختمان‌های مدرن و پست‌مدرن را تشخیص دهند (Groat 1982, 19). با توجه به همبستگی مشاهده‌شده میان سبک نما و سایر ارزیابی‌ها در مورد همان نما، می‌توان سبک بنا را یک متغیر نمادین مهم دانست. در تأیید نتایج پژوهش جک نسر تشخیص سبک یک نما، ترجیحات و قضاوت‌های هر دو گروه معماران و غیرمعماران را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Nasar 1994, 382-383). این قضاوت‌ها به شکل کلی رخ می‌دهد، و واکنش‌های احساسی اولیه نسبت به نما را در پی دارد.

در بررسی مرحله دوم بازسازی افق انتظارات مخاطبان، مشخص شد غیرمعماران کم‌تر به جزئیات بنا توجه می‌کنند، و تنها در صورت وجود عناصر خاص در نما به جزئیات نما توجه نشان می‌دهند، و در پاسخ به پرسش‌های مرتبط با جزئیات نیز، بیش‌تر به شکل کلی بنا و نوع مصالح و رنگ آن می‌پردازند. در مقابل معماران به شکل تخصصی جزئیات بنا و ترکیب‌بندی هندسی آن را

۵-۱- تحلیل یافته‌ها

در روش کدگذاری محوری با پالایش و یکپارچه‌سازی مقولات و پیوند دادن آن‌ها به یکدیگر مفاهیم مشترک بر اساس مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌ها در قالب مقولات عمده

دسته‌بندی شده‌اند. برای تحلیل بهتر مجموعه مفاهیم و مقوله‌ها خلاصه‌سازی شده و از هر مرحله مصاحبه، سه مقوله اصلی با بیش‌ترین تعداد کد در نرم‌افزار مکس کیودا مشخص شده‌اند (جدول ۳).

جدول ۳: سه مقوله اصلی در سه مرحله مصاحبه با بیش‌ترین تعداد کدهای (بر اساس کدگذاری در نرم‌افزار مکس کیودا)

مقوله‌ها					
مرحله اول	تعداد کدها	مرحله دوم	تعداد کدها	مرحله سوم	تعداد کدها
معماران	سبک	۳۶	ترکیب‌بندی هندسی	۶۵	نماد و نشانه‌ها
	بداعت	۲۴	تزئینات	۴۷	هویت
	کانسپت	۱۲	عناصر اقلیمی	۲۱	زیبایی
غیرمعماران	ارزش اقتصادی	۱۸	رنگ و مصالح	۲۸	احساسات شخصی
	بداعت	۱۲	تزئینات	۲۳	نماد و نشانه‌ها
	سبک	۸	پنجره	۱۶	زیبایی

تعداد کدهای هر مقوله می‌تواند اولویت معماران و غیرمعماران در معنادگی نما در مصاحبه‌ها را مشخص کند و امکان مقایسه بهتر میان آن‌ها را فراهم آورد. در مرحله اول سوالات مصاحبه اشاره به ویژگی‌های سبکی در میان معماران بیش‌ترین تعداد کد را به خود اختصاص داده است. تعداد این کد در میان غیرمعماران بسیار کم‌تر است، که نشان از اهمیت سبک نما در معنادگی میان معماران دارد. ارزش اقتصادی نما و تکراری یا بدیع بودن آن در میان غیرمعماران بیش‌ترین تعداد کد را داراست که نشان از اهمیت عوامل اقتصادی در قضاوت‌ها و ارزیابی‌های آن‌ها دارد. با وجود اشاره بسیار معماران به کانسپت نما، این مقوله به دلیل عدم آشنایی غیرمعماران با مفهوم کانسپت در میان پاسخ‌های آن‌ها دیده نشد. با روش کدگذاری انتخابی داده‌های سازمان‌دهی شده در قالب مؤلفه‌های گوناگون در ابعاد محدودتر دسته‌بندی شده‌اند. «ویژگی‌های کلی» به عنوان مؤلفه اصلی با زیرمقوله‌های «سبک، بداعت، کانسپت و ارزش اقتصادی» در مرحله اول سوالات مصاحبه در خوانش لایه‌های معنای نما در میان معماران و غیرمعماران مشخص شده است.

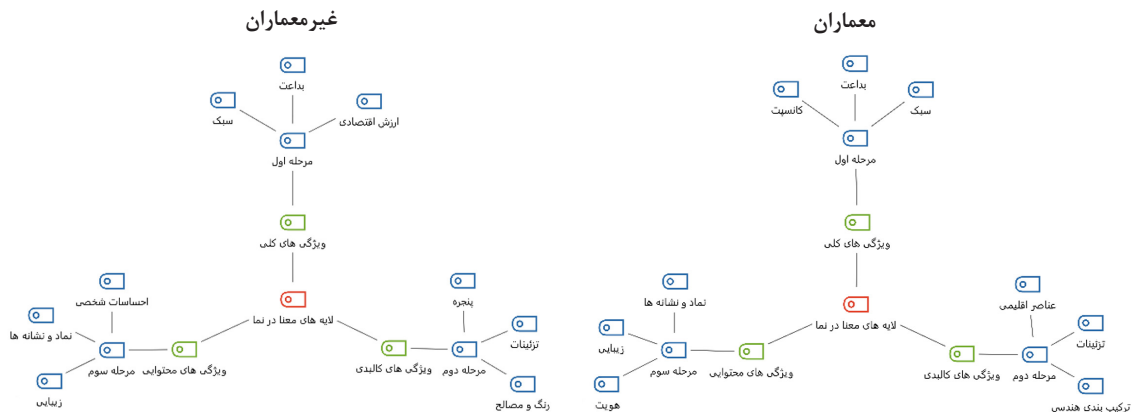
معماران و غیرمعماران از معنای نما است. معماران به عناصر اقلیمی نما توجه ویژه‌ای نشان دادند، و غیرمعماران از میان عناصر اقلیمی تنها به پنجره‌ها و ویژگی و جزئیات آن توجه کردند. «ویژگی‌های کالبدی» با زیرمقوله‌های «ترکیب‌بندی هندسی، تزئینات، رنگ و مصالح، و عناصر اقلیمی» مؤلفه اصلی در مرحله دوم داده‌های مصاحبه است.

در پاسخ به سوالات مرحله سوم مصاحبه معماران بیش‌تر به نماد و نشانه‌های نما توجه کردند. بر اساس داده‌های کدگذاری برای غیرمعماران احساسات شخصی در مورد معنای نما اولویت بالاتری نسبت به نماد و نشانه‌ها دارد. معماران به شکل تخصصی در مورد هویت و معنا و در مرتبه بعدی، در مورد زشتی و زیبایی نما صحبت کردند. با جمع‌بندی و پالایش مقوله‌های مرحله سوم، مؤلفه «ویژگی‌های محتوایی» با زیرمقوله‌های «نماد و نشانه‌ها، هویت، احساسات شخصی و زیبایی» مشخص شده است (شکل ۷).

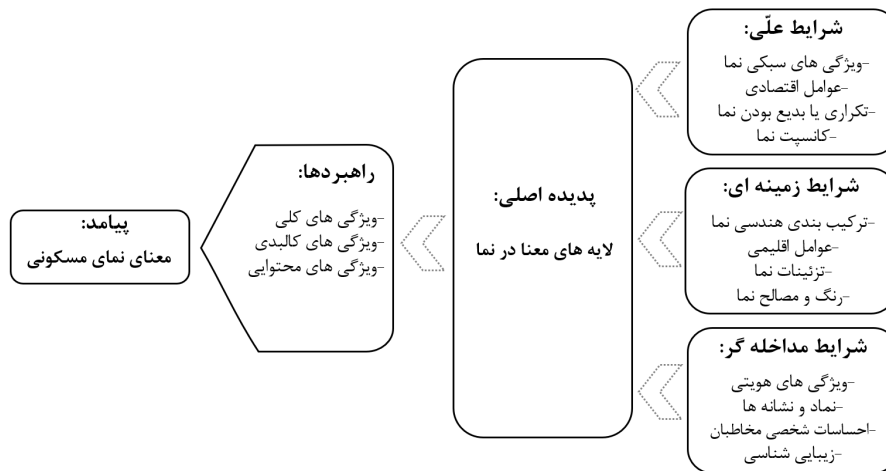
در نهایت با فرآیند کدگذاری انتخابی و دسته‌بندی مقولات در سطحی انتزاعی‌تر نسبت مقوله هسته (پدیده محوری) با عنوان «لایه‌های معنا در نما» با مؤلفه‌های اصلی مشخص شده است. در ادامه نسبت بین مقوله‌های عمده و شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر، راهبردها و پیامد آن‌ها مشخص شده و با مرتبط ساختن آن‌ها به یکدیگر در نهایت مدل مفهومی لایه‌های معنا ارائه شده است (شکل ۸).

بر اساس یافته‌های کدگذاری داده‌های مصاحبه در مرحله دوم، برای معماران ترکیب‌بندی هندسی اولویت اصلی‌تری نسبت به مصالح و رنگ بنا دارد؛ در صورتی که برای غیرمعماران، مصالح و رنگ ارجحیت دارد. غیرمعماران بسیار کم‌تر از معماران به مشخصه‌هایی نظیر ریتم، تقارن، تناسب، تعادل و سایر ویژگی‌های هندسی اشاره کردند. تزئینات نما و معانی حاصل از آن مقوله بعدی در خوانش

شکل ۷: رابطه بین مقوله‌ها و مؤلفه‌ها بر اساس کدگذاری محوری و انتخابی در نرم‌افزار مکس کیودا



شکل ۸: مدل مفهومی لایه‌های معنای نما ساختمان‌های مسکونی



۶. نتیجه‌گیری

در نهایت با روش کدگذاری نظریه زمینه‌ای به شکلی سازمان‌یافته دسته‌بندی و تحلیل می‌شوند. طبقه‌بندی جامعه آماری نماها در این پژوهش بر پایه دو متغیر ترکیب‌بندی هندسی و ارجاع‌دهندگی، میزان هدفمندی در نمونه‌گیری را افزایش می‌دهد، که در افزایش اعتبار نتایج پژوهش موثر است.

تفاوت نظر میان معماران و غیرمعماران در خوانش معنا، در نتایج پژوهش‌های بسیاری دیده شده است. لایه‌های معنی دریافت‌شده توسط معماران و غیرمعماران از نماها در این پژوهش به تفصیل شرح داده شده، و با تحلیل تفسیری داده‌های مصاحبه، زمینه‌های توافق و تفاوت دو گروه بررسی شده است. برای مثال معماران نمای رومی یا کلاسیک را نازیبا و نشانه نوكیسیگی و تجمل‌گرایی و اکثریت غیرمعماران آن را زیبا و فاخر و غربی می‌دانند. نماهای موسوم به پسامدرن نیز که برای هر دو گروه یادآور معماری گذشته و با هویت و زیباییست، مورد استقبال هستند. با کشف این معانی دلایل تفاوت‌ها و شباهت‌های ترجیحات دو گروه شناسایی می‌شود. آشنایی با معانی

نتایج حاصله از این پژوهش می‌تواند علاوه بر ارائه مدل مفهومی لایه‌های معنای نما ساختمان‌های مسکونی برای تدوین روشی نو در فرآیند خوانش معنا نیز مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد. در این پژوهش با روش نظریه زمینه‌ای برای کشف لایه‌های معنای دریافت‌شده از نماهای منتخب توسط دو گروه معماران و غیرمعماران از مبانی نظریه دریافت در فرآیند مصاحبه‌ها و جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. خوانش در نظریه دریافت تجربه‌ای زیبایی‌شناختی است که با از بین رفتن مرز میان سوژه و ایزه، و تعامل میان آن‌ها به شکل یک رویداد تجربه می‌شود. به همین دلیل تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختار یافته برای کشف معنا در تعامل میان مخاطبان و نمای ساختمان‌ها استفاده شده است. روش مصاحبه‌ها و طراحی سوالات بر اساس بازسازی افق انتظارات با مراحل مشخص و دیدگاهی چندجانبه، امکان کشف لایه‌های معنای عمیق‌تری را فراهم می‌کند، و داده‌های گسترده‌تری برای تحلیل تفسیری در اختیار پژوهشگر می‌گذارد، که

و دستکاری شده توسط اثر خود با مردم ارتباط معنایی برقرار می‌کنند و در طول زمان بر ذائقه عموم مردم تأثیر می‌گذارند. این نتایج در جدول ۴ خلاصه شده‌اند.

دریافت شده توسط مردم عادی و نوع خوانش آنان، فراتر از دستورالعمل‌های عمومی طراحی می‌تواند به معماران در طراحی محیطی مطلوب‌تر یاری رساند. معماران با کسب توانایی پیش‌بینی نوع خوانش مردم از بنا، به شکلی آگاهانه

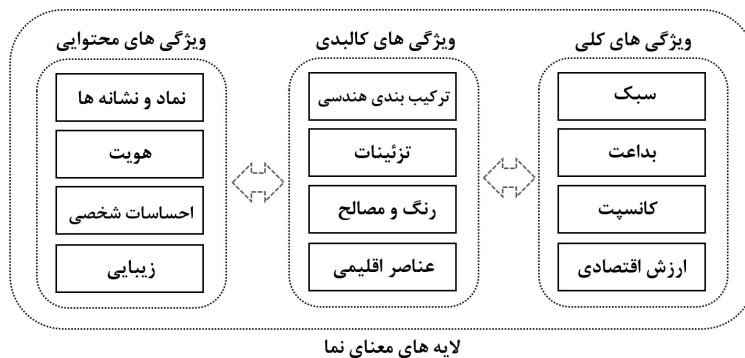
جدول ۴: مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های خوانش معنا توسط معماران و غیرمعماران

تفاوت‌های خوانش معنا در دو گروه	شباهت‌های خوانش معنا در دو گروه
<ul style="list-style-type: none"> - عدم توافق در تشخیص سبک پست‌مدرن - تفاوت در توجه به جزئیات (اولویت ترکیب‌بندی هندسی برای معماران و مصالح و رنگ برای غیرمعماران) - اهمیت بیش‌تر کیفیت فضای داخلی پشت نما برای غیرمعماران، و ویژگی‌های فیزیکی نما و کانسپت برای معماران - توانایی بیش‌تر غیرمعماران برای پاسخ‌دهی به سوالات مرتبط با احساس شخصی و قضاوت‌های زیبایی‌شناسی نسبت به سوالات مرتبط با ویژگی‌های فیزیکی نما (توانایی برعکس برای معماران) - اختلاف نظر دو گروه درباره زیبایی، هویت و معنای نمای سبک رومی 	<ul style="list-style-type: none"> - توافق در تشخیص سبک مدرن و کلاسیک بین دو گروه - همبستگی میان سایر قضاوت‌ها و سبک نما - اهمیت کیفیت بازشوها و اندازه پنجره‌ها و وجود فضای نیمه‌باز (بالکن، تراس و غیره) برای هر دو گروه - عدم پاسخ مناسب هر دو گروه به سوال مستقیم در مورد معنای نما - توافق نظر معماران و غیر معماران در مورد نماهای سبک مدرن البته با دلایل متفاوت - قضاوت مثبت و توافق حداکثری میان هر دو گروه مشارکت‌کننده درباره نماهای سبک پسامدرن

یا بدیع بودن نما، تزئینات، عناصر اقلیمی، نماد و نشانه‌ها و زیبایی نما در معنادهی هر دو گروه تأثیرگذار است. غیرمعماران بیش‌تر از معماران احساسات شخصی خود را در خوانش معنا دخالت می‌دهند. این یافته نشان از تلاش آگاهانه معماران برای قضاوت و تحلیل بی‌طرفانه با عدم اشاره به احساسات شخصی دارد.

همبستگی میان سایر قضاوت‌ها و سبک نما نشان می‌دهد که تشخیص سبک به شکل ناخودآگاه در قضاوت‌های هر دو گروه به‌ویژه معماران موثر است. ترکیب‌بندی هندسی نما برای معماران و مصالح و رنگ برای غیرمعماران، در دریافت معنا اولویت دارد. ارزش اقتصادی نما مؤلفه مهمی در خوانش معنای نما در میان غیرمعماران است. کانسپت نما نیز در خوانش معماران اهمیت ویژه‌ای دارد. تکراری

شکل ۹: لایه‌های معنا در خوانش معماران و غیرمعماران از نما



و روش خوانش معنای آن به دلیل ساختار روشمند و در اختیار نهادن امکانات تحلیلی بیش‌تر و عمیق‌تر، می‌تواند در پژوهش‌های آتی برای خوانش دقیق‌تر انواع نما، برای مثال سبک موسوم به پسامدرن ایرانی و همچنین بررسی نقش نشانه‌ها و ویژگی‌های عناصر کالبدی ارجاع‌دهنده در ترجیحات عموم مردم استفاده شود.

در یک جمع‌بندی کلی از نتایج تجزیه و تحلیل یافته‌های مصاحبه‌ها و مدل مفهومی مستخرج از مراحل کدگذاری داده‌ها، سه مؤلفه اصلی «ویژگی‌های کلی»، «ویژگی‌های کالبدی» و «ویژگی‌های محتوایی» با زیرمقوله‌هایی که در شکل ۹ مشخص شده لایه‌های معنای نما در خوانش معماران و غیرمعماران را شکل می‌دهند. نتایج این پژوهش

تشکر و قدردانی

این مقاله هیچ حامی مالی و معنوی نداشته است.

تعارض منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافی است.

تأییدیه اخلاقی

نویسندگان متعهد می‌شوند که کلیه اصول اخلاقی انتشار اثر علمی را براساس اصول اخلاقی COPE رعایت کرده‌اند و در صورت احراز هر یک از موارد تخطی از اصول اخلاقی، حتی پس از انتشار مقاله، حق حذف مقاله و پیگیری مورد را به مجله می‌دهند.

درصد مشارکت

نویسندگان اعلام می‌دارند به‌طور مستقیم در مراحل انجام پژوهش و نگارش مقاله مشارکت فعال داشته‌اند.


پی‌نوشت


1. Robert Hershberger
2. Charles Jencks
3. Grounded Theory
4. Reception Theory
5. Hans Robert Jauss
6. Martin Heidegger
7. Maurice Merleau-Ponty
8. Christian Norberg-Schulz
9. Juhani Pallasmaa
10. Steven Holl
11. Joseph Rykwert
12. Peter Carl
13. Hans-Georg Gadamer
14. Linda N. Groat
15. Jack L. Nasar
16. Wolfgang Iser
17. Jacques Derrida
18. MAXQDA 2020
19. Auditing

فهرست منابع

- Hershberger, Robert G. 1969. A Study of Meaning and Architecture. *EDRA* 1: 86-100. <https://www.jstor.org/stable/20715148>
- Sadat Mortazavi Ravari, Mahboubeh, Fatemeh Mehdizadeh Saradj, and Mohsen Feizi. 2022. Visual Preferences of Architects and Non-Architects in Evaluating the Physical Elements of Mid-Rise Residential Apartment Facades in Tehran. *Honar-ha-ye-Ziba* 27(1): 75-87. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2022.325269.672641>. [in Persian]
- Moosavian, Somayeh, Behnaz Aminzadeh GoharRizi, and Azadeh Shahchraghi. 2022. Rethinking the Evolution of Intellectual Systems of Architectural Aesthetics Based on an Anthropocentric Approach. *Armanshahr Architecture & Urban Development Journal* 15(38): 117-131. <https://doi.org/10.22034/aaud.2021.195626.1950>. [in Persian]
- Namvar Motlagh, Bahman. 2009. Juass & Iser: Reception Theory. *Pazhohesh Nameh-e Farhangestan-e Honar* 1(11): 93-110. <https://www.magiran.com/p636734>. [in Persian]
- Rahmani, Elahe, Iraj Etesam, and Mostafa Mokhtabad. 2017. A Comparative Analysis of the Modernist and Post-modernist Reading of Architectural work. *Journal of Iranian Architecture & Urbanism (JIAU)* 12: 95-112. <https://doi.org/10.30475/isau.2017.62033>. [in Persian]
- Adeli, Samira, and Hadi Nadimi. 2022. Form as Affordance: The Theoretical Basis and Conceptual Framework for the Meaning of Architecture. *Soffeh* 32(1): 21-40. <https://doi.org/10.52547/sofeh.32.1.21>. [in Persian]
- Heidari, Aliakbar, and Nazgol Behdadfar. 2017. Conception of Place for Architects and Non-Architects. *Bagh-e Nazar Journal* 13(43): 125-138. [in Persian]
- Toofan, Sahar, Hasan Memari, Dariush Sattarzadeh, and Mahsa Faramarzi. 2022. The Effect of Components of the Perceptual Dimensions of the Public on the Architectural Semantic Quality of Contemporary Monuments. *Journal of Architectural Thought* 6(12): 17-39. <https://doi.org/10.30479/at.2022.15877.1770>. [in Persian]
- Jalali, Roštam. 2013. Qualitative Research Sampling. *Journal of Qualitative Research in Health Science* 1(4): 310-320. [in Persian]
- Lang, Jon T. 1987. *Creating Architectural Theory: The Role of Behavioral Sciences in Environmental Design*. Van Nostrand Reinhold Company.
- Karimi, Sedigheh, and Ahmadrza Nasr. 2013. Interview Data Analysis Methods. *Pazhuhesh Journal* 4(1): 71-94. <https://www.magiran.com/p1235220>. [in Persian]
- Tayebi Abolhasani, Amirhossein. 2019. Introduction to Research Methodology: Standard procedures for qualitative data analysis. *Journal of Science and Technology Policy Letters* 9(2): 67-95. <https://dori.net/dor/20.1001.1.24767220.1398.09.2.5.1>. [in Persian]
- Fouquier, Eric. 1988. Figures of Reception Concepts and Rules for a Semiotic Analysis of Mass Media Reception. *Intern. J of Research in Marketing, North-Holland* 4: 331-347. [https://doi.org/10.1016/0167-8116\(88\)90033-x](https://doi.org/10.1016/0167-8116(88)90033-x)
- Groat, Linda. 1982. Meaning in Post-Modern Architecture: An Examination Using the Multiple Sorting Task. *Journal of Environmental Psychology, London* 2: 3-22. <https://doi.org/10.1016/S0272-4944%2882%2980002-9>
- Hershberger, Robert G., and Robert C. Cass. 1974. Predicting User Responses to Buildings. In *Man-Environment Interactions: Evaluations and Applications*, edited by D. H. Carson. Stroudsbury, PA: Dowden, Hutchinson & Ross, 117-133.
- Nesbitt, Kate. 1996. *Theorizing a New Agenda for Architecture: An Anthology of Architectural Theory 1965-1995*. New York: Princeton Architectural Press.
- Jauss, Hans Robert. 1974. Literary History as a Challenge to Literary Theory. In *New Directions in Literary History*, edited by Ralph Cohen. Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- Gough, Tim. 2013. Reception Theory of Architecture: Its Pre-History and Afterlife. *Architectural Theory Review, Routledge, London* 18(3): 279-292. <http://dx.doi.org/10.1080/13264826.2013.889645>
- Jencks, Charles. 1987. Post-Modern History. *Architectural Design* 1(78):13-58.
- Nasar, Jack L. 1994. Urban Design Aesthetics, The Evaluation Qualities of Building Exteriors. *Journal of Environment and Behavior* 26(3): 377-401. <http://dx.doi.org/10.4324/9781315531137-7>
- Nasar, Jack L. 1989. Symbolic Meanings of House Styles. *Journal of Environment and Behavior* 21(3): 235-257.
- Ilbeigi, Marjan, and Mohammad Ghomeishi. 2017. An Assessment of Aesthetics in Conceptual Properties and its Relation to Complexity among Architects and Non-Architects in Residential Façade Design in Iran. *Journal of Buildings and Sustainability* 2(1): 50-58.
- Ilbeigi, Marjan, Azadeh Mahmudi, Mohammad Ghomeishi, and Emad Behrouzifard. 2019. Cognitive Differences in Residential Facades from the Aesthetic Perspectives of Architects and Non-Architects: A Case Study of Iran. *Journal of Sustainable Cities and Society* 51: 1-12. <http://dx.doi.org/10.1016/j.scs.2019.101760>
- Iser, Wolfgang. 1978. *The act of reading: A theory of aesthetic response*. The John Hopkins University Press.
- Jauss, Hans Robert. 1982. Toward an aesthetic of reception. *Theory and History of Literature, University of Minnesota* 2: 23-24.

- Lorens, Holm. 2010. *Brunelleschi, Lacan, Le Corbusier: Architecture, Space and the Construction of Subjectivity*. London: Routledge.
- Teddlie, Charles, and Fen Yu. 2007. Mixed Methods Sampling. *Journal of mixed Methods Research* 1: 77-100. <https://doi.org/10.1177/2345678906292430>
- Nasar, Jack L. 1999. House Style Preference and Meanings Across Taste Cultures. *Landscape and Urban Planning* 44:33-42. [https://doi.org/10.1016/S0169-2046\(98\)00109-1](https://doi.org/10.1016/S0169-2046(98)00109-1)
- Lak, Azadeh. 2014. Grounded Theory Applications in Urban Design Research. *Soffeh* 24(1): 43-60. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.1683870.1393.24.1.4.3>. [in Persian]
- Clarke, A. E., and Carries Friese. 2007. *Grounded theorizing using situational analysis*. The sage handbook of grounded theory.
- Corbin, J., and Anselm Strauss. 2014. *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Los Angeles: Sage publications.

<p>نحوه ارجاع به این مقاله</p> <p>آزما، سارا، علیرضا عینی‌فر، و سیدیحیی اسلامی. ۱۴۰۳. خوانش لایه‌های معنا در نمای ساختمان‌های مسکونی میان‌مرتبه معاصر شهر تهران. <i>نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر</i> ۱۷(۴۸): ۱۳۳-۱۴۸.</p> <p>DOI: 10.22034/AAUD.2024.430474.2845</p> <p>URL: https://www.armanshahrjournal.com/article_195341.html</p>	
---	---

<p>COPYRIGHTS</p> <p>Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open- access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.</p> <p>http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/</p>	
---	---